



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

خوابی که تعبیر نشد!

ابوذر مظاهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خوابی که تعبیر نشد!

نویسنده:

ابوذر مظاهری

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ خوابی که تعبیر نشد!
۶ مشخصات کتاب
۶ خوابی که تعبیر نشد!
۷ پاورقی
۸ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

خوابی که تعبیر نشد!

مشخصات کتاب

مؤلف: ابوذر مظاهری

بهائیت آن گونه که هست / مؤسسه جام جم / چاپ اول / ۱۳۸۷

برگرفته از کتاب: باقر اوف؛ بهائی و روس فیل

خوابی که تعبیر نشد!

سید اسدالله باقراوف و برادرانش (سید نصرالله، سید رضا، سید محمود و آقا میرعلینقی باقراوف) که به «سادات خمسه» شهرت داشتند، از ثروتمندترین و بانفوذترین بهائیان گیلان و تهران در عصر قاجار به شمار می‌رفتند. بزرگترین ایشان سید نصرالله باقراوف بود که «در طهران از اعیان بزرگ به شمار می‌آمد و تا زنده بود در سیل امرالله فداکاری و برای جامعه‌ی احباب گره‌گشایی می‌کرد». [۱] آیتی شرح می‌دهد که چگونه نصرالله باقراوف تلاش می‌کرد سپهسالار تنکابنی (یکی از دو فاتح بزرگ مشروطه) را به بهائیت جلب کند، ولی تیرش به سنگ خورد [۲]. مسیو ب. نیکیتین. کنسول روسیه در ایران عصر قاجار، می‌نویسد: در موقع اقامت در رشت با فرقه‌ی بهائی ارتباط پیدا کردم و راهنمای من باقراوف بود. وی، سپس ضمن شرح روابط خود با آنها می‌افزاید: «در خاطر من هست که یکی از مبلغین این فرقه در موقعی که به عکا می‌رفت، موقع ورود به رشت از من ملاقاتی کرد و چند ماه بعد در آغاز سال ۱۹۱۴ مراجعت نمود و از عبدالبهاء نامه‌ای برای من آورد. رئیس این طایفه در آن نامه از من تمجیداتی کرده بود که البته خود شایسته‌ی آن نبودم. مثلاً- در این نامه مرا پناه دهنده‌ی محرومین خطاب نموده و تشکر کرده بود که من پرچم عدالت و انصاف و غیره را بلند کرده‌ام. از خواندن این نامه و نوشته‌های دیگر از تعلیمات مؤسس این فرقه اطلاع حاصل کردم که آنها پیوسته بر ضد هر نوع تعصب ملی و مذهبی و نژادی مبارزه می‌کنند [۳]. ظهیرالدوله (رئیس انجمن اخوت) که در جریان آخرین سفر مظفرالدین شاه به فرنگ (۱۳۱۷ ق) همراه شاه بوده و در قزوین با سید اسدالله باقراوف دیدار و گفتگو داشته است. شدیداً از «روس مآبی» سید اسدالله انتقاد می‌کند. زیرا وی فردی ایرانی، آن هم سید و از اولاد پیامبر اسلام (ص) بود و کسوت روحانیت بر تن داشت، اما اسمی روسی: «باقراوف» را انتخاب کرده بود (پسوند «اوف» در زبان روسی، معادل واژه‌ی «زاده» در فارسی می‌باشد، بنابراین، معادل فارسی باقراوف، باقرزاده می‌شود). علاوه بر این، باقراوف در گفتگو با ظهیرالدوله، به جای نام ایرانی برخی از اشیاء، واژه‌ی روسی آنها را به کار می‌برد (مثلاً به جای مرکب دوات، واژه‌ی «چرنیل» را به کار برده بود که معادل روسی آن است) [۴] ظهیرالدوله در بخش خاطرات عبور از رشت در آن سفر، ضمن اشاره به دیدارش با نایب و مترجم کنسولگری روسیه در رشت، فرصت را برای انتقاد مجدد از سید اسدالله باقراوف مغتنم می‌شمارد: [در رشت]... میرزا عبدالله خان، نواب نایب و مترجم اول قونسولگری روس در گیلان، پیش من آمد. ظاهراً بد آدمی نیست و حال آن که نوکر روس و تبعه‌ی روس، و قریب سی سال است در قونسولخانه‌ی روس ها خدمت می‌کند. آدم وطن‌پرستی به نظرم آمد یا نمی‌دانم از شدت پلٹیک به ملاحظه‌ی من آن حرف‌ها را می‌زد. به عکس سید اسدالله باقراوف که سید و ایرانی و تبعه‌ی ایران و تاجر ایران است و در مهمانخانه‌ی قزوین دید که من پوستین همراه دارم. به حالت تمسخر از من پرسید پوستین مال کیست؟ گفتم مال من است و برای سفر، خیلی خوب؛ لباس گرم راحتی است و هم به منزله‌ی دوشک است و هم کار لحاف [را] می‌کند. خنده‌ی زیر لبی کرده گفت: خیر آقا، این پالتوهای روسی خیلی خوب و بهتر از پوستین است و گفت: هر وقت به باد کوبه می‌روم، عمامه‌ی سبز و قبای آراسته و عبا را تبدیل به کلاه روسی و نیم تنه و پالتو می‌کنم. من بعد از یکی دو دقیقه سکوت، گفتم خوب می‌کنید [۵]. سید اسدالله باقراوف کسی بود که از تخم مرغ

فروشی در رشت به مرتبه‌ی میلیونری رسیده بود [۶] و بهائیان، دستیابی وی را به ثروت میلیونی، ناشی از ایمانش به مسلک بهاء می‌شمردند اما عبدالحسین آیتی، که پیش از مشروطیت، به مدت یک سال در اداره‌ی راه شوسه‌ی انزلی به تهران (به ریاست باقراوف) کار کرده بود [۷]، آن ثروت هنگفت را «از معجزات روسیه» می‌دانست [۸]. آیتی (آواره‌ی سابق) مبلغ مشهور بهائی است که بعداً کتاب «کشف الحیل» را در افشای مظالم و مفساد این فرقه نوشت. وی، در زمان بهائیگری، در ۱۳۳۸ ق به فرمان عباس افندی و به دعوت باقراوف، جهت تبلیغ مردم به بهائیت به تهران آمد [۹]، عضو محرم دائمی محفل روحانی بهائیت در پایتخت شد [۱۰]، در خانه‌ی باقراوف و پیشکارش (سید شهاب) به جوانان بهائی درس داد و توسط باقراوف با «چند نفر وزرای معزول و بیکار» وقت ایران دیدار و به تبلیغ (نافرجام) آنان پرداخت [۱۱]. آیتی، که مدت ۶ ماه شب و روز با باقراوف معاشر بوده است، تحت عنوان «افکار باقراوف» می‌نویسد: «تصور و عقیده‌ی او این بود که امر بهائی بر اثر مساعدت خارجی‌ها عالم گیر می‌شود و اولین نقطه که حائز اهمیت خواهد شد طهران خواهد بود و نخستین کسی که مقرب شده به ریاست‌های سرشار خواهد رسید او و خانواده‌ی او خواهد بود، و اگر نسبت و وصلتی هم با عبدالبها داشته باشد این ریاست الی الابد در خاندان او باقی می‌ماند... حتی روزی اعتراض به ریاست وزرای سپهدار رشتی کردم دیدم جدا با حالت رقابت صحبت می‌کند. گفتم اگر شما خود به جای او بودید می‌دیدید چقدر کار اجتماعی و ریاست مملکتی مشکل و پر زحمت است. با یک وجهه‌ی جدی گفت: اگر مملکت را به دست من دهند به فاصله‌ی یک هفته درست می‌کنم. گفتم: مثلاً چه می‌کنید؟ گفت: مردم را مجبور می‌کنم که بهائی شوند. گفتم: آن وقت کار درست می‌شود؟ گفت: بلی. گفتم: چرا جمعیت به این کمی که در همه‌ی طهران پانصد نفر مرد و منتهی هزار و دوست نفر زن و مرد و بچه‌ی بهائی هست نمی‌توانند کارهای خود را اداره کنند؟ چرا هر روز در میانشان نزاع است؟ چرا باید محفل اصلاح (و به قول خودتان) عدلیه‌ی روحانی! کارهاشان را اصلاح نماید! و چرا باید محفل روحانی (و به قول ابلهان: احباب) پارلمان امری نتواند یک مدرسه‌ی هفت کلاسه را اداره کند؟... خلاصه این‌ها را که شنید رنگش برافروخت و بالاخره گفت: چون قدرت ندارم و تأیید هم با من نیست. اگر سرکار آقا [عباس افندی] به ایران بیایند همه‌ی کارها درست می‌شود! گفتم: حتی وزارت شما؟ گفت: بلکه رئیس الوزرای ایران برای من حتمی است. گفتم: پس خوب است یک منزل صحیح برای ورود سرکار آقا تهیه کنید. گفت گراند هتل را به همان قصد ساخته‌ام. مجملاً این اوهام به قدری در مغز و دماغ او ریشه برده بود که با هزار تیشه ممکن نبود یک شاخه‌ی آن را قطع کرد...» و برای دستیابی به همین مقصود نیز ۸۰ هزار تومان ملک مازندران را پیشکش عباس افندی کرد و درصدد وصلت میان دختر وی برای فرزندش میرزا جلال و حیل‌های دیگر برآمد که البته وصلت مزبور سرنگرفت [۱۲].

باورقی

[۱] مصباح هدایت، ۵ / ۴۷۶؛ جستارهایی از تاریخ بهائیگری...، همان، ص ۵۹.

[۲] کشف الحیل، آیتی، ج ۱، چ ۷، صص ۲۷-۲۶.

[۳] ایرانی که من شناختم، ب. نیکیتین، ترجمه‌ی فره‌وشی و مقدمه‌ی ملک الشعرا‌ی بهار، کانون معرفت، تهران ۱۳۲۹، صص ۱۶۷-۱۶۵.

[۴] سفرنامه‌ی ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان، به کوشش دکتر محمد اسماعیل رضوانی، ص ۵۱.

[۵] همان، صص ۶۸-۶۹.

[۶] کشف الحیل، آیتی، ج ۲، چ ۴، ص ۳۸.

[۷] کشف الحیل، ج ۳، چ ۴، ص ۱۹۵ چ.

[۸] همان، ج ۲، چ ۴، صص ۳۸-۳۹.

[۹] همان، ج ۳، چ ۴، ص ۱۹۵ چ.]

[۱۰] همان، ص ۱۹۸.

[۱۱] همان، ص ۱۹۶.

[۱۲] همان، ج ۳، چ ۴، صص ۱۹۸-۱۹۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

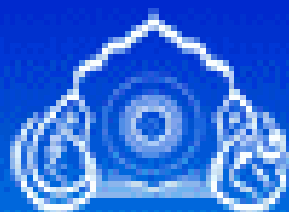
ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

